

طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی

(مطالعه موردی: بلوار بین محله‌ای)

مهندس مریم قلمبردزفولی*، دکتر محمد نقی زاده**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۱/۲۱



چکیده

در این پژوهش شناخت روش های تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای باز عمومی شهر، به ویژه خیابان ها مورد توجه قرار گرفته است. خیابان هایی که ساکنان محلات را برای گذران اوقات فراغت و یا رفع نیاز های روزمره دعوت نموده و به مرور زمان محدوده ای از مسیر برای آنها به میعادگاهی جهت دیدارها تبدیل می گردد. لذا در ابتدا سعی شده مولفه های تاثیرگذار بر حضورپذیری در فضای شهری به ویژه خیابان با عملکرد بین محله ای، تدقیق و شناسایی و پس از آن با بررسی متون و نظریه های نظریه پردازان به رابطه بین فضای شهری و تعاملات اجتماعی و تاثیری که کارکرد و کالبد فضا بر میزان مکث و شکل گیری تعاملات مردم دارد، پرداخته و در نهایت با استفاده از شیوه تحلیلی، براساس شاخص های تاثیرگذار، راهنمای طراحی شهری یک بلوار محلی به منظور جذب ساکنان محله جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی پیشنهاد گردید.

واژه های کلیدی

فضای شهری، تعاملات اجتماعی، بلوار محله ای، عوامل محیطی، فضاهای اجتماع پذیر

* دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: eng.archi2012@gmail.com

** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: dr_mnaghizadeh@yahoo.com

مقدمه

با توجه به این که امروزه فضای شهری کارکردی اجتماعی دارد، وجود فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه های توسعه شهری هستند که این امر حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجه فرهنگی- اجتماعی شهر دارد. «فضاهای عمومی شهر» را می توان عرصه ای دانست که داستان زندگی جمعی در آنها گشوده می شود و مکانی نه صرفا کالبدی، برای ایجاد تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی را فراهم می کند، چنانچه به زعم بسیاری از اندیشمندان فضاهای عمومی شهر مولفه ای اساسی در بهبود و افزایش میزان سرمایه اجتماعی در ساختار شهر به شمار می رود (حبیب و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین فضای شهری بستر شکل گیری و تقویت ارتباطات اجتماعی در جهت برقراری حس امنیت و اعتماد در فضای عمومی است و از طرفی دیگر مکانی مهم برای شکل گیری مراسم آیینی است که کمک شایانی به برقراری روابط اجتماعی و زندگی جمعی می کند. حضور مثبت افراد در این فضاها، حس تعلق و روحیه تعاون را افزایش می دهد. انسان در فضای شهری به دنبال مکانی جهت آسودن، آزادسازی فشارهای روحی- روانی و تعاملات اجتماعی است. در جهت پاسخگویی به این نیاز، طراحی فضاهای عمومی مابین و ارتباط دهنده محلات، باید از چنان جذابیتی برخوردار باشد تا به افزایش ارتباطات متقابل و مناسبات اجتماعی بین ساکنان یاری نماید. طراحی صحیح و پیش بینی فعالیت های زنده و جاذب منجر به تشدید استفاده از فضای شهری، تقویت ارتباطات اجتماعی و افزایش حس تعلق افراد به محیط را می شود و احساس مسئولیت آنها را در بهره برداری از فضا تقویت می نماید.

در این راستا، سعی شد در ابتدا شاخص های تاثیرگذار بر کیفیت فضای شهری به طور کلی و همچنین به طور خاص تر انتظارات از بلوار بین محلی ای به عنوان نمونه موردی انتظار می رود تدقیق گردد. همچنین با کنکاشی در نظریات نظریه پردازان در این مورد به بررسی فضاهایی که می تواند در آن ها تعاملات اجتماعی شکل گیرد و در آن میزان برخوردهای رو در رو افزایش یابد شناخته شود. در همین راستا فضاها و فعالیت هایی که در فرهنگ ایرانیان امکان این رویارویی ها را افزایش می دهد شناسایی گردید؛ و در آخر مولفه های تاثیرگذار بر افزایش تعاملات اجتماعی از دو بعد کالبد و فعالیت در یک خیابان بین محلی جمع بندی گردید.

مبانی نظری

فضای شهری و ویژگی های کیفی مورد انتظار

فضای شهری یعنی شریان زندگی روزمره که در مرکز جامعه

واقع شده است. این فضاها برای همه به آسانی قابل دسترسی اند و با مجموعه ای از مجتمع های تجاری، فرهنگی و مسکونی احاطه شده اند. این فضاها، مکان هایی را تشکیل می دهند که بیشتر ساکنان شهر یا برای خرید و یا گردش به این مکان ها می روند و یا در مسیر روزانه آنها قرار دارد. در این راستا بنا بر گفته لنگ «فضای شهری را می توان بخشی از فضای باز و عمومی شهری دانست که به نوعی تبلور ماهیت زندگی اجتماعی می باشد. بر این اساس فضاهای شهری عرصه تعامل متقابل انسان ها می باشند که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود. فضایی که همه مردم می توانند در آن حضور یابند و به فعالیت بپردازند» (Lang, 1987, 97). نیاز انسان امروز به فضای خالی به عنوان فضایی امن و فارغ از تنش های حرکت سریع وسایل نقلیه، پردازش جدیدی از فضایی و فضا سازی سکونتگاه های شهری را ضروری می سازد (ریاحی فر، ۱۳۹۲). در این فضاها این فرصت فراهم می شود که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شود و برخوردهای اجتماعی صورت گیرد. فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست بلکه کنش «تعاملات شهروندی» و «فعالیت های شهری» را نیز در بر می گیرد. یعنی کالبدی از شهر را مجبور می کند که مکان برقراری فعالیت های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی باشد.

از آن جایی که بحث در زمینه خیابان های شهری در طبقه بندی انواع فضاهای باز شهری می باشد در بحث ویژگی های کیفی، تنها به مقوله ویژگی های خیابان ها و توقعاتی که از آن برای حضور مردم در آن عرصه می رود، پرداخته شده است. در این راستا چهار کیفیت اصلی برای امکان حضور فرد در خیابان (همان طور که بتلی می گوید اگر فردی حق انتخاب داشته باشد آن مسیر را برای گذر انتخاب نماید) (بتلی و همکاران، ۱۳۸۲) شمرده شده است که از منظر بسیاری از نظریه پردازان از معیارهای اصلی یک فضای شهری می باشند. این کیفیات شامل امنیت، نفوذپذیری، خوانایی و تنوع کالبدی و عملکردی می باشند که زمینه ساز حضور فرد در فضا می گردند.

انتظارات شهروندان از فضای شهری را می توان از توانایی پاسخگویی محیط دانست که به نیازهای انسان در کالبد فضایی پاسخ می دهد و امکان استفاده از فضای شهری را می دهد. انتظارات شهروندان از فضای شهری به ترتیب «عام، موضوعی، موردی، موضعی» می باشد. بر این اساس، به طور خاص تر با توجه به نمونه موردی که بر اساس تعریف پروژه خیابانی بلوار شکل می باشد که قرار است بر اساس نیاز محله، مکانی جهت برخوردهای درون محله ای و ارائه خدماتی در سطح محله باشد؛ توقعات موردی که از سه فضای میدان محلی، بلوار و خیابان محلی انتظار می رود آرامش، خودمانی بودن، ایمنی و مفرح بودن است.

نقش فضای شهری در تقویت ارتباطات اجتماعی

بر اساس هرم مازلو، انسان‌ها نیازمند برقراری روابط اجتماعی اند. مازلو این نیاز را ناشی از نیاز جسمی، نیاز به ایمنی و اطمینان، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام و منزلت و تایید و تشویق می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۳، ۱۰۹). فضای شهری امکان گسترش دامنه اجتماعی و برخورد‌های رودررو را تسهیل می‌نماید که این امر ناشی از توان بالای این گونه فضاها در انواع مبادلات کالا، شایعات، اطلاعات و اخبار می‌باشد؛ همچنین گسترش روابط اجتماعی موجب تقویت حس اطمینان و اعتماد گشته و بر امنیت و منزلت اجتماعی می‌افزاید. به این ترتیب اگرچه که فضای شهری توان عظیمی برای تقویت رفتارهای گروهی و کنش‌های متقابل اجتماعی دارد، اما به عنوان رکن طبقه‌بندی کننده زندگی اجتماعی بیش از هر جای دیگر مستعد رفتارهای جمعی است. از این رو «مامفورد» عملکرد اصلی فضای شهری را شکل جمعی دادن به شهر می‌داند. وی می‌گوید: «عملکرد اساسی شهر شکل جمعی دادن به شهر است که «مارتن بوپر» آن را به درستی رابطه بین من و تو نامیده است. عملکردی که امکان گردهمایی‌های بسیار، ملاقات‌های متعدد و رقابت‌های فراوان بین افراد و گروه‌های متفاوت را فراهم کرده است، به گونه‌ای که نمایش زندگی اجتماعی بتواند در آن جا به روی صحنه بیاید، بازیگران و تماشاگران، به ترتیب نقش خود را عوض می‌کنند، عملکرد اجتماعی فضاها را آزاد شهری تجمع افراد را ممکن می‌سازد» (شوای، ۱۳۷۵، ۲۶۴).

وجود گروه‌ها و جنب و جوش مردم در فضای شهری شرط موفقیت یک فضای شهری است و این همان تصویری است که «جین جیکبز» از فضای شهری ارائه می‌کند و آن را به بیان زیر به عنوان عامل اساسی خصلت فضای شهری می‌داند: پویایی و احساس زنده بودن یک شهر در گرو مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام است؛ تراکم و به اضافه شلوغی و جنب و جوش مردم، تصویری ایده آل است؛ زیرا چنین ویژگی‌هایی تعداد بیشتری از ساکنان شهر را به مراکز شهری جلب کرده و این امر ضمن آن که موجب ارتقاء اقتصادی این گونه محیط‌های شهری می‌شود، به آنها چهره‌ای نو، فعال و پرتحرک می‌بخشد و این خصوصیات به کل شهر تسری می‌یابد. از سوی دیگر حضور هر چه بیشتر افراد، خود زمینه ساز برقراری انواع کنش‌های متقابل شده و تامین نیازمندی‌های اجتماعی-عاطفی انسان‌ها را در شهر تسهیل می‌کند (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶، ۳۵-۳۴).

تأثیر کالبد بر تعاملات اجتماعی

اگر کالبد شهری همان مجموعه بناها و مکان‌های به هم تنیده‌ای در نظر گرفته شود که مردم شهر ساکنان آن هستند و در خلل و فرج‌ها

و فضاهای خالی آن زندگی اجتماعی جریان دارد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که این دو یعنی کالبد و زیست اجتماعی که درون آن روی می‌دهد نمی‌توانند از هم جدا باشند. مردم به طور طبیعی اهل معاشرت‌اند و دوست دارند در جاهایی که دیگران هم هستند جمع شوند؛ اما برای ایجاد فضایی به یادماندنی که بتوان در آن جمع شد و اختلاط کرد به مکان، کانون یا تکیه گاهی نیاز است. «این مکان‌های تجمع ممکن است در پیرامون فواره‌ها، آثار هنری، سکوها یا اطراف بناهای یادمانی باشد. این بناها معمولاً جایی را برای نشستن، لبه‌ای را برای تکیه دادن، جایی را برای پناه بردن از آفتاب و باران و محل دنجی را برای گپ زدن در خود دارند؛ طوری که حتی کسانی هم که خیلی آشنا نیستند با احوالپرسی‌های کوتاه، دلیل موجهی برای حضور همدیگر در این مکان‌ها پیدا می‌کنند» (لنارد و لنارد، ۱۹۹۳). آن‌چه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه اول عوامل کالبدی است که می‌تواند زمینه ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد؛ عواملی چون: دسترسی‌ها، جاذبه‌های بصری و عوامل طبیعی.

تأثیر کاربرد بر تعاملات اجتماعی

بعد فعالیتی فضاها را عمومی با فعالیت‌ها و کاربری‌های پیرامون مرتبط است. «جین جیکبز» در «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» مطرح می‌نماید که ترکیب شهرنشینی با عملکردهای تجاری و مسکونی در مقیاس محله‌ای و همسایگی یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقاء زندگی شهری می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهند فضاها را عمومی که مردم در آن قادر به اشتغال به محیط با نگاه کردن به سایرین، نشستن، غذا خوردن، فعالیت‌های خرده‌فروشی، فعالیت‌های ورزشی، یا به قول وایت اتفاقات دنج و یا تعبیر وودی تفریح فعال و غیرفعال باشند، برای مردم جذابیت بیشتری دارند. این فعالیت‌ها و بسیاری خصوصیات فعالیتی و کالبدی دیگر به فضاهای عمومی تشخص می‌بخشد و بر تامین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیر گذار است.

بررسی دیدگاه نظریه پردازان در زمینه ارتباطات اجتماعی

در دهه هفتاد قرن بیست (۱۹۶۰) در آمریکا مخالفت‌های شخصی «جین جیکبز»^۱ با دیدگاه‌های لوکوربوزیه بر علیه جنبش برنامه‌ریزی مدرنیست شکل گرفت. هدف او توجه بیشتر به خیابان‌ها و نشان دادن جایگاه آن‌ها بود و به این موضوع اشاره می‌کرد که «خیابان‌ها و پیاده‌روهای آنها عناصر اصلی و عمومی شهر هستند و از ارگان‌های حیاتی در شهر هستند» (جیکبز، ۱۳۸۶، ۲۹). به عقیده جیکبز خیابان‌ها نقش اساسی در تثبیت و تقویت حس اجتماعی دارند و به همین نسبت

تأمین کننده فرصت های لازم برای تعاملات اجتماعی هستند. از دهه شصت میلادی که برای اولین بار جین جیکبز به بررسی تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری پرداخته افراد زیادی نیز به این مسئله پرداخته اند که در ادامه، نظریات نظریه پردازانی از قبیل «ویلیام وایت»، «جان لنگ»، «پورتا» و «رنه»، «یان گل»، «استفان کار»، «سوزان کروهرست لنارد» و «هنری لنارد» و «محمد نقی زاده» در باب تعاملات اجتماعی و ارتباط محیط شهری با آن به طور خلاصه ارائه گشته است:

ویلیام وایت^۲ از جمله نخستین کسانی است که تحقیقات وسیعی در زمینه نحوه استفاده از عرصه های عمومی انجام داده است. او معتقد است حیات اجتماعی در عرصه های عمومی با کیفیت زندگی افراد و اجتماع رابطه تنگاتنگی دارد و می گوید «ما برای خلق مکان های کالبدی که مشارکت و تعاملات اجتماعی را تسهیل نمایند دارای مسئولیت اخلاقی هستیم» (Whyte, 1980). وایت بر این باور است که مردم نظر خود را با پاهایشان اعلام می کنند. آن ها از فضاهایی استفاده می کنند که در آن احساس راحتی کنند و به سهولت بتوانند در آن آمد و شد داشته باشند، در غیر این صورت آن را کنار می گذارند. به نظر او طراحی باید با درکی کامل از نحوه استفاده مردم از فضا و شیوه ای که آنها به استفاده از فضا علاقمند هستند صورت پذیرد.

جان لنگ، معمار و طراح شهری، از جمله کسانی است که در تحقیقات خود به موضوع الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت های محیط ساخته شده پرداخته است. او این مسئله را از آن جهت حائز اهمیت می داند که «تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط های اجتماعی و ساخته شده رابطه تنگاتنگی دارد» (لنگ، ۱۷۹، ۱۳۸۱). از دید او اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می آورند اما در بعضی از محیط ها این زمینه راحت تر به وجود می آید. در واقع نقش اصلی طراحان کمک نمودن به برقراری این ارتباطات و انجام راحت تر اتفاقاتی است که در فضا جریان دارد. قلمروهای عمومی یا نیمه عمومی در صورتی خوشایند هستند که استراحت و آسایش را تامین کنند. مسائلی چون فرهنگ و عادات اجتماعی نیز بر الگوهای تعامل افراد اثرگذار است. علاوه بر آن جزئیات طراحی و بالاتر از همه شیوه زندگی ساکنان، تراکم و نیاز به کمک های متقابل را نیز جزء این عوامل می داند. حفظ تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی افراد در برقراری روابط اجتماعی میان افراد مهم است و اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان تر می شود. نیاز اساسی امنیت از ضروریات طراحی فضاهای عمومی است و به طرق مختلف باید به آن پاسخ داده شود.

در تحقیقاتی که توسط پورتا^۳ و رنه^۴ در سال ۲۰۰۵ صورت گرفته است، آنها طراحی شهری را به پایداری اجتماعی از طریق آنچه آن را شاخص های کالبدی می نامند، مرتبط ساخته اند. «مفهوم شاخص های کالبدی پلی بین طراحی شهری و پایداری می باشد» (Porta & Renne, 2005). پورتا و رنه نتیجه تحقیقات خود را زمینه طراحی محیطی جهت افزایش تعاملات اجتماعی در ۱۰ پیشنهاد ارائه نموده اند: خیابان ها تا حد ممکن کم عرض طراحی شوند. از جدانمودن و مجزا نمودن ساختمان ها از محیط پرهیز شود (به خصوص ساختمان های سازمانی)؛ پرهیز از عقب نشینی ساختمان ها؛ ساخت ساختمان های کوچک به جای ساختمان های بزرگ؛ طراحی خرده فروشی در طبقه همکف ساختمان ها در صورت امکان، پرهیز از جانمایی تعداد زیاد پارکینگ؛ طراحی رواق، طاق های پشت سر هم، نرده های کوتاه، سایبان های خمیده و نظیر اینها و هر چیزی که به فضا چهره ای نرم بدهد پیشنهاد می گردد. پرهیز از دیوارهای خالی (بدون پنجره)، پرهیز از تابلوهای تبلیغاتی بزرگ، چراغ های راهنمایی، سطل آشغال های بزرگ و پل های بلند. قرار دادن درختان در عرض خیابان. درختان در بیشتر مواقع یکی از بهترین ابزارها برای تبدیل نمودن فضا به محیطی دوستانه و قابل زندگی می باشد، جانمایی مکان هایی جهت نشستن.

تحقیقات یان گل^۴ معطوف به حیات اجتماعی جاری در عرصه های عمومی است و به طور خاص به تسهیلات زندگی در فضاهای عمومی می پردازد و سعی در گسترش مرزهای آن فراتر از استفاده معمول از عرصه های عمومی دارد. وی به این مسئله اعتقاد دارد که فضای کالبدی نمی تواند تاثیر مستقیمی بر کیفیت، محتوا و میزان برخورد های اجتماعی بگذارد اما معماران و برنامه ریزان می توانند بر احتمال ملاقات ها، دیدن ها و شنیدن مردم اثر بگذارند و اینها نقطه آغاز و پشتوانه ای برای سایر فعالیت ها می باشند. مسئله مهم دیگر آن است که حضور مردم، فعالیت ها و اتفاقات جزء یکی از کیفیت های عرصه های عمومی محسوب می شود (Ghel, 1987, 15). به کمک طراحی فضاها تا حد مشخصی می توان بر تعداد افرادی که از فضای عمومی استفاده می کنند، مدت زمانی که فعالیت ها در آن رخ می دهند و نیز نوع فعالیت های فضا اثر نهاد. همچنین بیان می کند که کلیه فعالیت هایی را که در فضای عمومی رخ می دهند به سه دسته تقسیم می کند. فعالیت های ضروری، انتخابی و اجتماعی. دو فعالیت نخست پیش زمینه وقوع فعالیت های اجتماعی اند. تمامی انواع فعالیت ها در برگیرنده فعالیت های پایه می باشند. این فعالیت ها شامل راه رفتن، نشستن، ایستادن، دیدن و تماشا کردن، شنیدن و صحبت کردن هستند. این فعالیت ها تقریباً بخشی از تمامی فعالیت های دیگر را پوشش می دهند. برای انجام هر یک از فعالیت های پایه، عرصه های

عمومی باید دارای سه کیفیت اساسی باشند. حفاظت، راحتی و احساس لذت بردن از محیط.

استفان کار^۶ از نظریه پردازان متأخری است که به تحقیق بر روی کارکرد و طراحی عرصه های عمومی می پردازد. او فضاهای عمومی را مکان آسودن مردم می داند که فراغتی را برای رهایی از اضطراب های زندگی روزمره فراهم می آورد (Carr et al., 1992). نقش روانی که فضاهای عمومی برعهده دارند، فراهم آوردن عرصه ای برای تعاملات اجتماعی و مکانی برای مشارکت فعال و اجتماعی با دیگران است. وی توجهات اخیر به فضاهای عمومی را از علاقه روز افزون مردم به فعالیت های خیابانی مثل دواستد های خیابانی، غذا خوردن در بیرون از خانه، پیاده روی و دوچرخه سواری می داند. به نظر او عرصه های عمومی باید معنادار، دموکراتیک و نیز پاسخگو به این معنا که طراحی و مدیریت فضا به گونه ای باید باشد که نیازهای استفاده کنندگانش را برآورده سازد. همچنین پنج نیاز اساسی مردم را که در عرصه عمومی باید به آن پاسخ گفت چنین می شمارد: (۱) راحتی، (۲) آسودگی، (۳) مشارکت غیرفعال با محیط، (۴) مشارکت فعال، (۵) کشف.

سوزان کروهرست لنارد^۷ و هنری لنارد^۸ با استفاده از نظریه طراحی سنتی فضای شهری و تحلیل فضاهای شهری موفق در اروپا، توانسته اند اصولی را در مورد طراحی شهری که ارتقاء دهنده رفاه و زندگی اجتماعی است، استنتاج نمایند. اصول و اهداف اجتماعی در طراحی فضای شهری که آنها بیان می کنند شامل: پاسخگوی تمام اعضای جامعه، به ویژه خردسالان، بزرگسالان و معلولان به گونه ای ایمن و در دسترس باشد؛ استفاده مرتب و دائمی ساکنان را تسهیل کند؛ باعث شود که افراد احساس بزرگی کنند و حامی مناعت طبع آنها باشد؛ حس تعلق به جامعه ای با هویت را تقویت کند؛ حس کنجکاو و کاوش را برانگیزد؛ تجربه های یادماندنی و ارزشمندی را بر جای گذارد؛ مردم را هدایت و فعالیت های مختلف را تسهیل کند؛ زمینه ای بسازد که افراد آن مکان را مانند خانه احساس کنند؛ راه های ارتباطی شخصی را تقویت کند. (ارتباط های بصری، گفتاری، دیداری) (لنارد و لنارد، ۱۳۷۷، ۸۲).

شهر برای تجمع، تعامل و رفع نیازهای انسان ها از طریق همکاری و معاشرت پدید آمده و در همه جوامع نمونه هایی از این فضاهای جمعی و شهری وجود داشته است. فضای جمعی در هر جامعه ای تجلی و مصداق و رنگ و بوی بومی و محلی داشته و ویژگی های آنها از فرهنگ و آداب و رسوم آن دیار متأثر بوده است (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۱). اهم ویژگی هایی که به استناد آنها می توان فضایی را فضای شهری نامید، عبارتند از: امکان دسترسی عام؛ مسقف نبودن (با توجه به مصادیق بارز فضای شهری در شهرهای ایرانی و به به ویژه مصادیق مصادیق اصیل و تاریخی آن (ایوان ها، بازارها، حسینیه و تکایا، این معیار می تواند

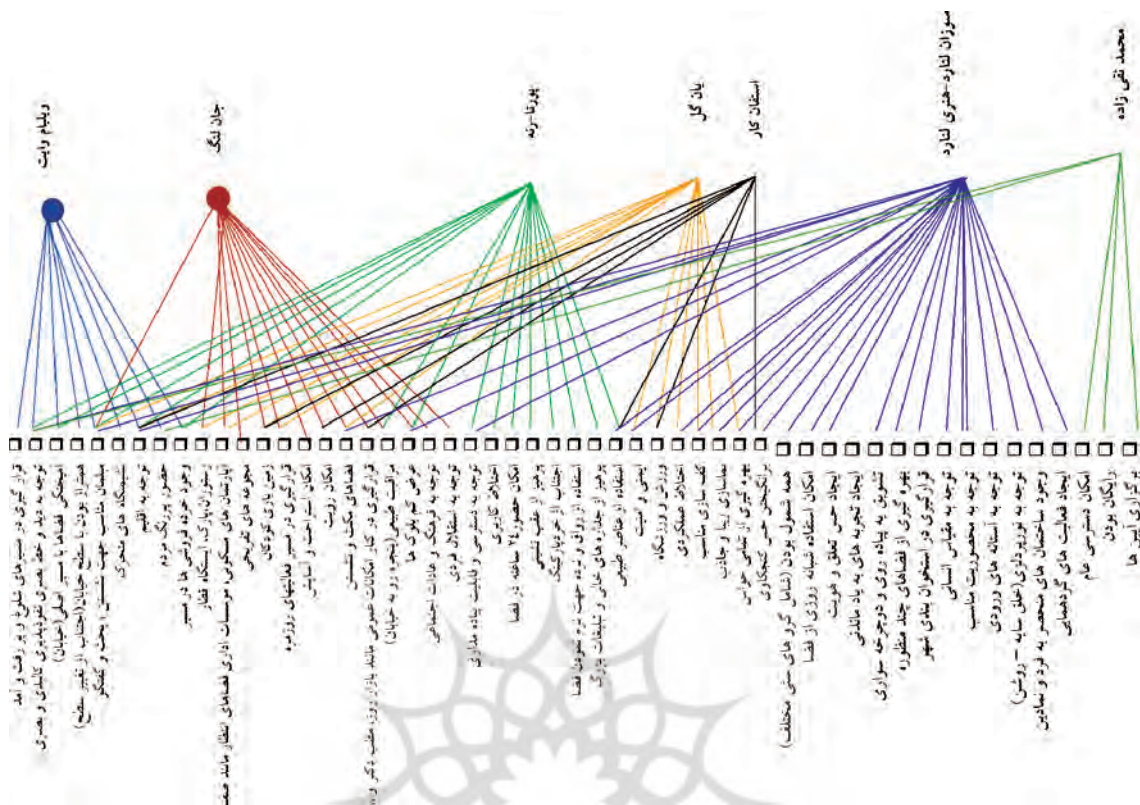
به عنوان معیار ثانویه در ایران تلقی شود)؛ دسترسی و حضور پیاده؛ حضور فیزیکی؛ رایگان بودن؛ عمومی بودن؛ ظهور تعاملات اجتماعی. در نهایت فضای شهری، فضای عمومی و عامی است که دسترسی همگان به آن امکان پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف، امکان دسترسی به فضاها و عملکردهای گوناگونی ایفای نقش می کند. در این بخش به خلاصه ای از نظریات ۷ نظریه پرداز (ویلیام وایت، جان لنگ، پورتا و رنه، یان گل، استفان کار، سوزان لنارد و هنری لنارد، دکتر محمد نقی زاده) در زمینه طراحی فضای شهری به منظور افزایش تعاملات اجتماعی پرداخته شد که در نهایت می توان موارد زیر را به عنوان نقطه مشترکی در بین نظریات یافت:

- فرصت های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تامل بیشتر در فضا؛
- فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل، زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن؛
- ورودی های تعریف کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی؛
- پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن؛
- راه ها و ارتباطات فضایی مناسب و هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی؛
- کنترل دسترسی و وسائل نقلیه و امنیت پیاده؛
- تعریف بدنه ها و هویت جداره ها؛
- پیش بینی فعالیت های جاذب؛
- توجه به اقلیم؛
- بهره گیری از تمامی حواس؛ و
- استفاده از عناصر طبیعی.

همچنین در نمودار شکل ۱ خلاصه ای از نظریات هریک از نظریه پردازان ارائه گشته است. بعضی از نکاتی که در لزوم داشتن فضایی با تعاملات اجتماعی باید به آنها توجه نمود از جمله میلمان مناسب جهت نشستن، مکث و همچنین فعالیت های جاذب و پشتیبان در بین نظریه پردازان مشترک می باشد.

فضاهای اجتماع پذیر

لنگ قرارگاه ها و مکان های رفتاری در ساختمان ها و محلات را از منظر امکان صورت گرفتن تعامل اجتماعی به دو گونه تقسیم می کند: نخست مکان هایی که با در نظر گرفتن امکان تعامل مردم ساخته شده اند و دوم مکان هایی که در آنها تعامل اجتماعی حاصل مقاصد کارکردی دیگری است و بر این عقیده است که معماران و طراحان شهری بناها و شهر را محل طراحی مکان های گونه اول



شکل ۱. نمودار مولفه های تاثیرگذار در زمینه افزایش تعاملات اجتماعی نظریه پردازان

یکی فضای شهری و دیگری تعاملات اجتماعی در فضای شهری بود. در حقیقت هدف بررسی رابطه بین فضا و تعاملات اجتماعی می باشد. آن چه که به عنوان چهارچوب پژوهش می توان بیان نمود آن است که هدف جذب مردم به فضایی می باشد که در آن فضا ترغیب به ارتباط با یکدیگر شده و تعاملات اجتماعی صورت گیرد. پس هدف اولیه جذب مردم به حضور در فضایی است که این فضا بستر شکل گیری ارتباطات می باشد. اگر این فضا بتواند توقعات عام و خاصی که از آن فضا انتظار می رود را برآورده سازد، امکان حضور مردم در آن فضا فراهم می گردد، بدین معنی که ابتدا باید فضایی معیارهای اولیه، به عنوان مثال امنیت را دارا باشد تا فرد در فضا حضور یابد. هدف ثانویه آن است که فرد علاوه بر حضور در فضا ترغیب به ارتباط و تعامل در فضا گردد. یعنی این فضا علاوه بر معیارهای اولیه نیازمند معیارهای دیگری می باشد که پشتیبانی کننده مکث در فضا باشد. به عنوان مثال اگر به عنوان یک فضای شهری خوب نیازمند مبلمان می باشد، این مبلمان باید به صورتی باشد که امکان برخورد های چهره به چهره را حمایت کند، در این حالت قرار گیری نیمکت های متحرک و روبروی هم بر نیمکت های ثابت و ردیفی ترجیح داده می شود. هدف نهایی

می دانند. رستوران ها، خیابان ها، پارک ها و حتی ایستگاه های قطار در اوقاتی خاص از روز یا هفته مکان های ملاقات، اجتماع و گردش هستند و البته باید گفت که توانایی طراحان در ایجاد این مکان ها و یا حتی دانستن زمان ایجاد آن ها به آسانی قابل پیش بینی نیست (لنگ، ۱۳۸۱). در این راستا در این قسمت سعی بر آن شده است بر اساس آن چه در قسمت های قبل بیان گشته، فضاهایی که در ایران به عنوان مکان های اجتماع و قرار ملاقات ها شناخته می شوند معرفی گردند. به طور کلی فضاهای اجتماع پذیر در ایران را می توان پنج زمینه دسته بندی نمود که شامل فضای مذهبی، فرهنگی-آموزشی، حرکتی، ورزشی و گذران اوقات فراغت می باشد که می تواند براساس فرهنگ و نیاز های جامعه نمونه های این گونه فضاها از شهری به شهر دیگر و یا حتی از محله ای به محله دیگر متفاوت باشد.

چهارچوب نظری

هدف از پژوهش حاضر جواب به این پرسش بوده است که «آیا با طراحی مناسب یک فضا می توان میزان تعاملات اجتماعی در میان مردم را افزایش داد؟» در این راستا دو مفهوم اصلی شناسایی شد که



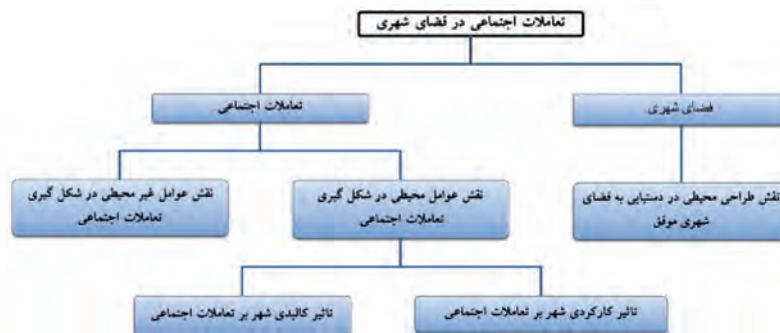
شکل ۲. فرآیند امکان تعامل در فضا

به معنای آن چه که ویلیام وایت بیان می‌کند یعنی حضور مردم به‌عنوان یک عامل موثر برای جذب مردم دیگر می‌باشد. مفهوم اول در برگیرنده عوامل محیطی می‌باشد که تاثیر گذار بر امکان شکل‌گیری برخورد‌های رو در رو است که می‌توان این عوامل محیطی را خود در قالب ۳ مولفه عوامل کالبدی، معنایی و عملکردی تقسیم نمود (شکل ۴). عوامل کالبدی، این مفهوم به لحاظ اجتماعی فرآیند حضور در فضا و درگیر شدن در اتفاقات آن را مورد اشاره قرار می‌دهد و نیز بر انعکاس فضایی و تجلی کالبدی این فرآیند تاکید دارد. آن چه که بیش از هر شاخصی مورد تاکید اندیشمندان بوده است، مبلمان و نحوه آرایش آن جهت نشستن، مکث و تامل در فضا می‌باشد. مبلمان به معنای راحتی در مکث و تامل در فضا می‌باشد. طول زمانی که مردم در فضای شهری سپری می‌کنند تابع و شاخصی از میزان آسایش، راحتی و تنوع مبلمان است. نوع و تعداد تقاطع‌ها در یک فضا تاثیر زیادی بر روی حرکت و خوانایی ارتباط خیابان‌ها بر استفاده‌کنندگان دارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد نفوذپذیری در هر دو بعد کالبدی و بصری وجود داشته باشد. خیابانی با نسبت بالای تقاطع و اندازه کوچک بلوک‌ها دارای قابلیت نفوذپذیری بالایی است (Porta & Renne, 2005). توجه به اقلیم و استفاده از عناصر متناسب با آن در جهت ایجاد احساس راحتی و آسایش از دیگر مواردی است که باید به آن توجه نمود. عوامل معنایی همان عواملی می‌باشند که منجر به احساس لذت در فضا، حضور و مکث در آن می‌شوند. این همان مفهومی می‌باشد

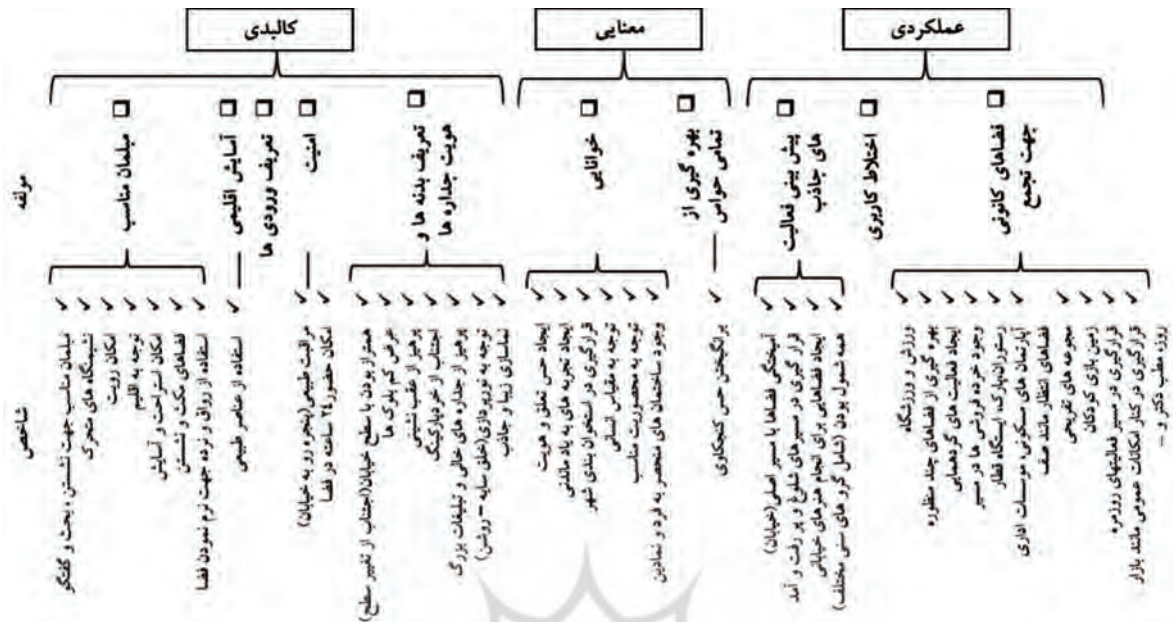
نیز که شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌باشد، با دستیابی به اهداف اولیه و ثانویه و با حضور مردم به عنوان مهم‌ترین عامل تاثیر گذار شکل می‌گیرد. در حقیقت وجود عوامل کالبدی و فعالیتی مناسب به عنوان عوامل اصلی پشتیبانی‌کننده حضور، امکان برخورد‌های رودررو افزایش یافته و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد.

قرائت متون و نظریات اندیشمندان درباره موضوع پژوهش نشان می‌دهد که بین شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و طراحی فضای شهری رابطه معناداری وجود دارد. در واقع به دنبال عوامل موثر بر شکل‌گیری تعاملات دو بعد وجود دارد. یکی تاثیری که فضا بر مردم می‌گذارد. مفهوم اول به معنای عوامل محیطی تاثیر گذار مانند عوامل کالبدی و عملکردی محیط می‌باشد و مفهوم دوم به معنای تاثیری که مردم بر روی یکدیگر می‌گذارند که مرتبط به آداب، سنن و فرهنگ جامعه ای می‌شود؛ که کار طراحان شهر مرتبط با مفهوم اول و عوامل کیفی می‌باشد که می‌توان با طراحی مناسب به آن دست یافت. در نهایت می‌توان نمودار شکل ۳ را به عنوان مدلی از مطالعات پایه و کاوش در میان نظر اندیشمندان ارائه نمود:

در بحث نقش عوامل محیطی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی با بازخوانی مفاهیم نظری ارائه شده دو مفهوم اصلی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. یکی بحث تعامل فضا و محیط با مردم و تاثیر آن در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و دیگری بحث تعامل مردم با مردم



شکل ۳. نمودار چارچوب نظری



شکل ۴. عوامل موثر در ارتقاء تعاملات اجتماعی

و رقابت اجتماعی نیازمند هماهنگی در روابط معماری و فضایی است. هدف، ایجاد برنامه‌های مناسب در جهت تامین نیازهای اجتماعی است؛ برنامه‌ای که ضرباهنگ آن با عواطف و معیارهای انسانی هماهنگ باشد. اندازه مطلوب فضای شهری با زندگی اجتماعی که در آن مکان جاری است، تناسب دارد. این فضا، همین قدر باید بتواند از عهده پرچنب و جوش ترین رویدادهای روزانه وهفتگی برآید. عوامل عملکردی، به عنوان عامل محرک جهت جذب شدن به فضایی می باشند. وجود فعالیت های گردهمایی و یا فضاهای کانونی جهت تجمع مانند زمین بازی کودکان و یا غذا خوری ها، امکان حضور افراد

که بی تردید کیفیت اتفاقات و جریان های جاری در فضا را متاثر ساخته و به صورت مستقیم بر فعالیت های اجتماعی حاضران در فضا موثر است. افراد محیط را در بسیاری از حالات با وجوه زیباشناسانه اش درک می کنند؛ کیفیت هایی که حاضران در فضا را به جستجوی کشف گوناگونی ها می کشاند، محیط را لذت بخش تر کرده و زمینه را برای شکل گیری فعالیت ها و اتفاقات اجتماعی مهیا می سازد. استفاده از عناصری که منجر حس تعلق و ایجاد تجربه های به یادماندنی می شوند نه تنها بر زیبایی مکان می افزایند بلکه منجر به خوانایی فضایی نیز می گردند. ایجاد برنامه ای برای افزایش احساس بزرگی



شکل ۵. نمودار نمونه ای فضاهای اجتماع پذیر در ایران

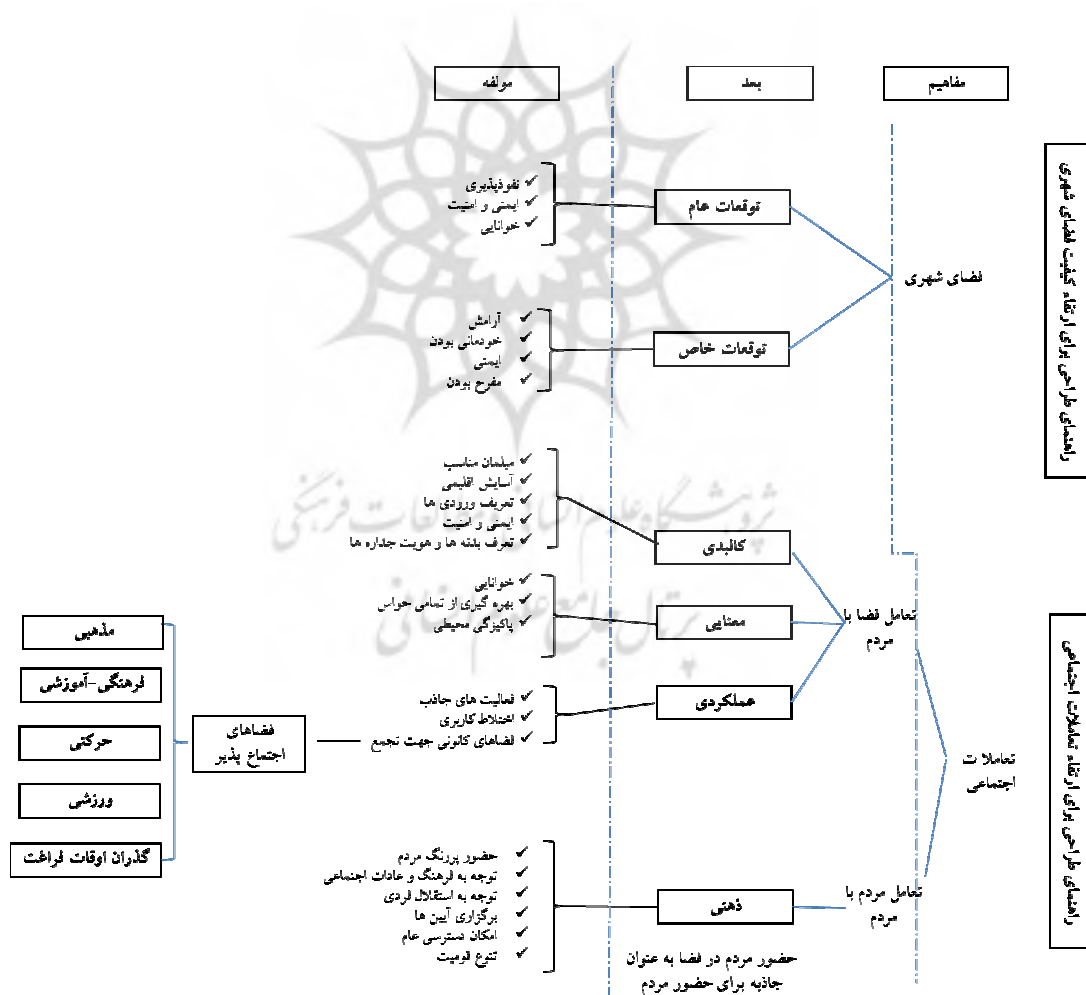
را فراهم می سازند که در نهایت امکان تعاملات اجتماعی در فضای عمومی را فراهم می سازند به شکل ۵ خلاصه نمود.

نتیجه گیری

در این بحث با بررسی متون و مطالعات اکتشافی به بررسی رابطه طراحی محیطی بر میزان تعاملات اجتماعی که اکثریت آراء بر تاثیر مسقیم نوع کالبد فضا و فعالیت های جاری در آن تاکید داشته اند پرداخته شد. آنها از طریق بررسی زندگی واقعی مردم خواهان تعیین اینکه چگونه محیط انسان ساخت بر تعاملات اجتماعی موثر است، بوده اند و این موضوع به عنوان یک دغدغه در فضاهای شهری همواره مطرح بوده است.

در فضا و لحظاتی کنار هم بودن و ایجاد تجربه هایی مشترک را چند برابر می نماید.

همان طور که بیان گشت منظور از فضاهای اجتماع پذیر فضاهایی می باشد که با عملکرد خاص خود مردم را به خود جذب نموده و امکان برخورد های رودرو را بر حسب نوع فعالیت و کششی که ایجاد می کنند فراهم می سازند. بسیاری از این فضاها به علت هدف خاصی که در اجتماع دارند به عنوان مثال مراکز آموزشی، که اکثرا در راستای آموزش و یادگیری در آن مکان جمع می شوند، محرک شکل گیری آشنایی ها می باشد (حبيب، ۱۳۸۶) و بعضی از فضاهای دیگر مانند فضاهای اوقات فراغت که به منظور پر نمودن تنهایی، افراد به آنها مراجعه می کنند امکان تعاملات را به وجود می آورند. در انتهای بحث می توان نمونه های فضاهای اجتماع پذیری را که در ایران امروزه امکان بسیاری از برخوردهای رودرو



شکل ۶. مدل تحلیلی: راهنمای طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی

۱۳۸۲). محیط های پاسخده. (مصطفی بهزاد فر: مترجم). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲. جیکبز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. (حمید پارسى و آرزو افلاطونى، مترجمان). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۳. حبیب، فرح. (۱۳۸۶). رویکرد پایداری در متن شهرسازی. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۹(۱)، ۱۱۱-۱۲۰.

۴. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ جهانشاهلو، لعلا؛ و فروزانگهر، حمیده. (۱۳۹۱). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تاکید بر نقش فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر تهران). هویت شهر، ۱۲، ۵-۱۴.

۵. حمیدی، ملیحه؛ سیروس صبری، رضا؛ حبیبی، محسن؛ و سلیمی، جواد. (۱۳۷۶). استخوان بندی شهر تهران. جلد ۱، تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.

۶. ریاحی فرد، عباس. (۱۳۹۲). بررسی نحوه توزیع مناسب فضای خالی در بالابردن کیفیت فضاهای سکونتگاهی شهری معاصر تهران. هویت شهر، ۱۵، ۷۱-۸۲.

۷. دانشپور، سیدعبدالهادی؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۷، ۱۹-۲۸.

۸. شوای، فرانسواز. (۱۳۷۵). شهرسازی، تخیلات و واقعیات. (سید محسن حبیبی، مترجم). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۹. لنارد، کروهروست سوزان؛ و لنارد، هنری. (۱۳۷۷). طراحی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی. (رسول مجتبی پور، مترجم). مجله معماری و شهرسازی، ۴۴-۴۵، ۸۲-۸۷.

۱۰. لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه شناسی (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۲. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹). تحلیل و طراحی فضای شهری. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.

در این تحقیق تقویت روابط شهروندی در خیابان های شهری از طریق شناسایی مولفه های اصلی شکل دهنده به خیابان و ارزیابی آنها در تعاملات اجتماعی می باشد. در واقع سعی در فهم شاخص های محیطی تاثیر گذار در تعاملات اجتماعی خیابان های شهری در یک مقیاس محلی بوده است که دارای ویژگی های فرهنگی ، اجتماعی و طبیعی منحصر به فردی است تا بتوان از طریق راه حل های بومی و محلی ، توان های بیشتری را برای ارتقای تعاملات اجتماعی و همبستگی ساکنان فراهم کرد. بنابراین تحقیق ، در پی پیشنهاد مدل (الگو) کیفی خیابان های شهری بوده است که ارتقا دهنده سطح فعالیت های گروهی و روابط اجتماعی معنادار است که بر تعاملات اجتماعی تأثیر گذار باشد. در نهایت مدل مفهومی که که می توان در جهت سنجش وضعیت موضع و همچنین شاخص هایی که در حین طراحی باید بدان ها توجه نمود در نمودار شکل ۶ به صورت خلاصه بیان گشته است:

همان طور که در نمودار شکل ۵ مشاهده می گردد به منظور جذب مردم به فضایی جهت صورت گرفتن هر چه بیشتر تعاملات اجتماعی دو راهنمای طراحی یکی برای ارتقای کیفیت فضای شهری به منظور جذب افراد و حضور در آن فضا، و نیز راهنمای طراحی برای شکل گیری تعاملات اجتماعی ارائه گشته است که عوامل محیطی موثر در این راستا که مستخرج از آراء نظریه پردازان به خصوص در دوبرعد کالبد و عملکرد است را بیان می کند. در نهایت می توان بیان نمود که نوع چیدمان مبلمان، زیبایی بصری محیط و نیز فعالیت های جاذب و جمعی از مهمترین عوامل در افزایش تعاملات اجتماعی بین مردم می باشند.

پی نوشت ها

1. Jean Jacobs
2. William Whyte , 1988
3. Sergio Porta
4. John Luciano Renne
5. Jan Gehl , 1987
6. Estefen Carr
7. Suzanne Crowhurst Lennard
8. Henry Lennard

۹. در این قسمت از مطالعات انجام شده توسط دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) استفاده گشته است.

فهرست مراجع

13. Carr, S., Frances, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). *Public Spac*. New York: Cambridge University press.
14. Gehl, J. (1987). *Life between buildings: using public space*. New York: Van Nostrand Reinhold.
15. Lang, J. (1987). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold.
16. Porta, S., & Renne, J. L. (2005). Linking urban design to sustainability: Formal indicators of social urban sustainability field research in Perth. *Urban Design International*, 10, 51-64.
17. Whyte, W, H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Tuxedo, Maryland: Printers II Inc.

۱. بنتلی، ای بن الکک، آلن ومورین، پال و مک گلین، سو و اسمیت، گراهام